۱۵۱-۱۷۰

فرایند تکوین هوش معنوی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه (نظریه داده‌بنیاد) *

الهه وکیل زاده دیزجی[۱] ◉ دکتر یوسف ادیب[۲] ◉ دکتر زرین دانشور[۳] ◉ دکتر بهنام طالبی[۴]

چکیده: **پژوهش حاضر با هدف تعیین فرایند تکوین هوش معنوی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه به روش نظریهٔ داده‌بنیاد و بر اساس مدل پارادایمی کوربین و اشتراوس(۲۰۰۸) انجام شده است. مطالعه در شهر تبریز و در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ صورت‌گرفته است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش ۲۱ دانش‌آموز دوره دوم متوسطه، معلمان و افرادی بودند که با دانش‌آموزان در ارتباط‌اند. برای نمونه‌گیری از رویکرد هدفمند و روش نمونه‌گیری نظری و برای کفایت حجم نمونه از منطق اشباع داده‌ها استفاده شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با نرم‌افزار MAXQDA10 کدگذاری شده‌اند. به‌منظور افزایش اعتبار یافته‌ها از روش زاویه‌بندی پژوهشگر و چک کردن داده‌ها از سوی شرکت‌کنندگان استفاده شده است. نتایج نشان داد که شکل‌گیری هوش معنوی، فرایندی پیچیده است که از عوامل درونی و بیرونی تأثیر می پذیرد. از آنجا که داده‌ها حاکی از تغییر و تحول در کنش/واکنش و عواطف و روحیات افراد در یک روند تکاملی با گذشت زمان و تغییر در شرایط زمینه‌ای است، لذا در این مطالعه فرایند به‌صورت مراحلی پیوسته و درهم تنیده و مرتبط به‌هم توصیف می‌شود. همچنین با توجه به ماهیت کیفی بودن روش، توالی دقیق و مبتنی بر مراحل ثابت برای آن شناسایی نشده است، اما با استنباط از تجارب زیسته و تفاسیر به عمل آمده از سوی مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت که این فرایند با درک اهمیت هوش معنوی آغاز می‌شود و با الگوپذیری و کسب تجارب معنوی شکل می‌گیرد و به پیامدهایی می انجامد. در این پژوهش دستیابی به آرامش درونی به‌مثابه پدیده مرکزی مفهوم‌پردازی شده است.**

کلید واژگان: هوش معنوی، زمینه، فرایند، پیامد، پدیده مرکزی

☑ تاریخ دریافت: ۹۹/۶/۹ ☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۵

* *این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.*

۱. دانش‌آموخته دوره دکتری برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. **Email:** el_vakil55@yahoo.com

۲. **نویسنده مسئول:** استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. **Email:** adib@tabrizu.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. **Email:** daneshvar@iaut.ac.ir

۴. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. **Email:** btalebi@iaut.ac.ir

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

مقدمه

مفهوم هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روانشناسی را نخستین بار استیونز[1] در سال ۱۹۹۶ و پس از آن رابرت ایمونز[2] در سال ۱۹۹۹ مطرح کرده‌اند (سهرابی و ناصری، ۱۳۸۸). سپس گروهی از مؤلفان و پژوهشگران مانند زوهر و مارشال[3] (۲۰۰۰)، سیسک[4] (۲۰۰۸)، ناسل[5] (۲۰۰۴) و کینگ[6] (۲۰۰۸) درصدد آن برآمدند تا مفهوم هوش معنوی را با توجه به مبانی نظری متفاوت، تعریف و مؤلفه‌های آن را مشخص کنند. به موازات این جریان، گروهی دیگر از روانشناسان مانند گاردنر (۲۰۰۰) مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلف مورد نقد و بررسی قرار دادند و پذیرش این مفهوم ترکیبی معنویت و هوش را به چالش کشیدند (ابراهیمی کوه‌بنانی، ۱۳۹۰).

اسکشپینسکا[7] (۲۰۲۱) هوش معنوی را ساختاری روان‌شناختی دانسته و آن را به‌مثابه توانایی جستجو برای معنای زندگی تعریف کرده است. ویگلزورث[8] (۲۰۱۲) آن را نیاز درونی انسان تعریف کرده تا به چیزی بزرگ‌تر از خود متصل شود، چیزی که فکر می‌کنیم الهی یا دارای استعداد استثنایی است. هوش معنوی ترکیبی از عناصر هوش و معنویت است (امینی‌جاوید و همکاران، ۱۳۹۴). از منظر اسلام نیز داشتن معنا و هدف در زندگی، توکل و امید به خداوند، تفکر وجودی، شکیبایی، شرح صدر (ظرفیت روانی) و هوشمندی، نیکوکرداری، سپاسگزاری و انجام مناسک دینی(دعا، یاد خدا و نماز) از مؤلفه‌های هوش معنوی به شمار می‌روند (سهرابی و ناصری، ۱۳۸۸). در واقع هوش معنوی شامل حس معنا داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متعادل از ارزش ماده و معتقد به بهتر شدن دنیاست (رئیسی و همکاران، ۱۳۹۷). هوش معنوی به دلیل پیوندش با معنویات و ارزشها می‌تواند به‌انسان قدرت تغییر و تحول بدهد و او را در حل مسائل و مشکلات فرهنگی و معنوی یاری دهد (شایانفر، ۱۳۹۱). استرنبرگ[9] (۲۰۱۵) هم هوشهای چندگانه را ناشی از تفاوتهای فردی در انسان می‌داند و آن را در حوزه‌های خاص تعریف می‌کند. هوش معنوی به مردم فرصت تعمق در رفتارهای خود و پرورش یک ایده سالم و جامع را در زندگی می‌دهد (یوپادهیای و یوپادهیای[10]، ۲۰۱۶).

تعلیم و تربیت در زندگی بشر، مهم‌ترین و اساسی‌ترین جنبه زندگی است. جامعه سالم و توسعه‌یافته، جامعه‌ای است که نظام تعلیم و تربیت پویا، با نشاط، زنده و مترقی دارد. چنین نظامی می‌تواند انسانهایی آزاد، مستقل، دینی، اخلاقی و مبتکر بسازد که جامعه را به سامان مادی و معنوی برسانند (مشایخ و

1. Stevens
2. Robert Emmons
3. Zohar & Marshall
4. Sisk
5. Nasel
6. King
7. Skrzypińska
8. Wigglesworth
9. Sternberg
10. Upadhyay, S., & Upadhyay, N.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

روشـــنی، ۱۳۹۵). در واقع آموزش و پرورش رکن اساســـی جامعه انسانی اســـت (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۶)، اما هسته اصلی آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت، برنامهٔ درسی است. برنامه‌های درسی و نظریات در زمینه آموزش و پرورش از جمله عوامل و عناصری‌اند که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزشی نقش بسزایی دارند (دهقانی و فضل‌الهی قمشی، ۱۳۹۴).

بر اســـاس بررسیهای صورت گرفته، به رغم اینکه رشد و تکوین هوش معنوی تابع عوامل گوناگونی اســـت و در برخی پژوهشها به آنها اشاره شده است، با این حال پژوهشها و نظریه‌ها به‌ندرت به عوامل و فرایند آن شکل‌گیری توجه کرده‌اند و بیشتر به توضیح خود متغیر پرداخته‌اند. در ضمن تکوین این سازه از عوامل موقعیتی و محیطی متأثر می‌شود، زیرا شواهد روان‌شناختی گوناگونی وجود دارد که نشان می‌دهد هوش معنوی یک ظرفیت عالی شـــناختی اســـت و نه یک توانایی ذاتی و ارثی و این ظرفیت، تحت‌تأثیر عوامل محیطی می‌تواند توسط مظروفهای متفاوتی پر شود (نوروززاده و همکاران، ۱۳۸۵)، یعنی عوامل مؤثر و فرایند شکل‌گیری از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت است. باید توجه داشت که هوش معنوی یک فرایند مستمر تفسیر و تفسیر مجدد است و یک امر واحد نیست و از ابعاد گوناگون تشکیل شده که نتیجه نحوهٔ ساخته شـــدن احساس فرد از خودش است و در جریان زندگی اتفاق می‌افتد. از سویی هم مدیران نظام تعلیم و تربیت باید تمام ابعاد وجودی دانش‌آموزان را بشناســـند و آنان را در مسیر صحیح شکل‌گیری هوش معنوی قرار دهند و از شکل‌گیری هوش معنوی مخدوش و معیوب در آنان جلوگیری کنند. پژوهشـــهای اندکی نیز در این زمینه انجام پذیرفتـــه و نظریه‌پردازی عمیق و همه‌جانبه در مورد شکل‌گیری هوش معنوی به‌ویژه در کشورمان ایران انجام نشده است. از این‌رو پژوهشگر در این تحقیق با توجه به مسائل و مطالب ارائه‌شده دربارهٔ هوش معنوی و ضرورت به‌کارگیری آن در برنامه درسی مدارس، در پی مطالعه فرایند تکوین هوش معنوی در دوره دوم متوسطه نظام آموزشی ایران است. این پژوهش به شـــیوهٔ گراندد تئوری و با استفاده از داده‌های مبتنی بر عرصه، ابتدا در پی مطالعه و شناسایی فرایند شکل‌گیری هوش معنوی در دانش‌آموزان و سپس در پی شناخت عوامل مؤثر در شکل‌گیری این فرایند بوده اســـت. به‌عبارت‌دیگر هدف از انجام دادن این پژوهش دستیابی به پاسخ این پرسشهاست که فرایند تکوین هوش معنوی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه چگونه است و عوامل و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هوش معنوی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه کدام‌اند؟

■ روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف کاوش و آشکارســـازی فرایند شـــکل‌گیری هوش معنـــوی دانش‌آموزان دوره دوم متوســـطه، با رویکرد نظریهٔ داده‌بنیاد[1] و به روش کوربین و اشـــتراوس[2] (۲۰۰۸) انجام یافته است. مطالعه در شهر تبریز و در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ صورت گرفته است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش

1. Grounded theory
2. Corbin & Straus

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

۲۱ دانش‌آموز دختر و پســـر دوره دوم متوسطه، معلمان و افرادی بودند که با دانش‌آموزان در ارتباط‌اند. برای نمونه‌گیری از رویکرد هدفمند و روش نمونه‌گیری نظری و برای کفایت حجم نمونه از منطق اشباع داده‌ها اســـتفاده شده اســـت. ابزار مورد اســـتفاده برای گردآوری داده‌ها، مصاحبه فردی و یادداشتهای عرصه بود. مصاحبه از نوع نیمه‌ســـاختاریافته بود و از راهنمای مصاحبه اســـتفاده شد. عبارات و نظرات مصاحبه شوندگان ضبط و پس از پایان جلسه، لفظ‌به‌لفظ پیاده شدند . به منظور رعایت نکات اخلاقی پیش از شـــروع مصاحبه، فرد شـــرکت‌کننده از هدف انجام دادن طرح و مصاحبه آگاه شد و با رضایت کتبی از حضور در پژوهش، مصاحبه انجام و ضبط شـــد. تعیین اعتبار داده‌ها در این پژوهش از طریق ثبت مصاحبه‌ها و تأیید توصیفهای نهایی از ســـوی شرکت‌کنندگان و زاویه‌بندی محقق بوده است. متن مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی به نرم‌افزار MAXQDA10 منتقل و کدگذاری شدند. کدگذاری بر اساس مدل پارادایمی کوربین و اشـــتراوس (۲۰۰۸) شامل سه مرحله است. کدگذاری باز[1] آن بخش از تحلیل است که در آن داده‌های مربوط به پدیده مورد مطالعه با بررسی دقیق نام‌گذاری و مقوله‌بندی می‌شوند کـــه در این پژوهش ابتدا ۳۸۵ کد باز از داده‌ها به‌دســـت آمد. کدگـــذاری محوری[2] فرایند مرتبط کردن مقولات فرعی به مقولات اصلی‌تر اســـت. این عمل شامل مراحل پیچیده تفکر استقرایی و قیاسی است که طی چند مرحله انجام می‌گیرد. در این مطالعه چهار طبقه اصلی تحت عنوان زمینه‌های شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان دوره دوم متوســـطه بر اساس داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به‌دست آمد که عبارت‌انداز: عوامل درون- فردی، عوامل بیرونی(محیطی)، ارزشـــهای دینی و ارزشهای فرادینی. فرایند شـــامل دو طبقه اصلـــی درک جایگاه هوش معنوی و مقابله با موانع و پیامدهـــا دربردارنده چهار طبقه اصلی تحول در جهان‌بینی، دســـتیابی به آرامش درونی، موفقیت در زندگی و رشد ارزشهای اخلاقی بود که هر کدام شـــامل خرده‌طبقات مربوطه بودند. در نهایت کدگذاری گزینشی[3] بود که کدگذاری محوری را در ســـطحی بالاتر و انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد که در این پژوهش دستیابی به طمأنینه و آرامش درونی به‌عنوان پدیده مرکزی مفهوم‌پردازی شده است.

یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌ها برای تعیین مفاهیم و تشخیص زمینه

در این مرحله در پی یافتن مجموعه زمینه‌ها و شـــرایطی بودیم که روی مشـــارکت‌کنندگان تأثیر می‌گذارد و موجب عمل و عکس‌العملهای آنها می‌شود. زمینه در این مطالعه شامل طبقه‌های اصلی «عوامل درون- فردی»، «عوامل برون- فردی(محیطی)»، «ارزشـــهای دینی» و «ارزشـــهای فرادینی» است که در جدول شماره ۱ به طور کامل نشان داده شده است.

1. Open coding
2. Axial coding
3. Selective coding

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

جدول ۱. زمینه‌های شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان

طبقه اصلی	زیرطبقه	ویژگیها (مفاهیم)	طیف
عوامل درون-فردی	ماهیت وجودی انسان	● **بعد معنوی و روحی- روانی** - غذای روحی - آرامش روحی - ضمیر ناخودآگاه - فطرت، باطن و سرشت - احساس درونی - تولد روحانی	کم تا خیلی زیاد
		● **استعداد و توانایی** - استعداد ذاتی - توانایی بالقوه	
	عوامل ماورایی	● **ماوراءالطبیعه** - متافیزیک - معجزه و نیروی خارق‌العاده - هاله‌های انسانی - الهامات درونی - حس ششم	کم تا زیاد
	جهان‌بینی	● **نوع جهان‌بینی** - نوع نگاه و نگرش به هستی - نگاه بامعنا، عمیق و زیبا - درک حکمت امور	محدود تا وسیع
	نیازها و تعاملات انسانی	● **نیازهای مادی و معنوی** - نیازهای غریزی و اولیه و مادی - روابط عاطفی و اجتماعی - عواطف انسانی - همدلی، همدردی، آرامش با همصحبتی	ضعیف تا شدید
	انسان فارغ از جنسیت	● **جنسیت** - زن یا مرد بودن	
عوامل بیرونی (محیطی)	خانواده	● **مراحل زندگی** - پیش از تولد (جنینی)، نوزادی، خردسالی - نوجوانی، جوانی	پیش از تولد تا آخر عمر
		● **وراثت**	کم تا زیاد
		● **تربیت خانوادگی** - مادر، پدر - شکل‌گیری شخصیت - محیط خانواده	کم تا زیاد
		● **شرایط زندگی** - فشارهای روحی و روانی و شرایط سخت - تناقضات موجود	ضعیف تا شدید
		- تغذیه از لحاظ حرام یا حلال بودن - شرایط اقتصادی - رشته و میزان تحصیلات فرد	بی‌تأثیر تا کم

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

جدول ۱. (ادامه)

طبقه اصلی	زیرطبقه	ویژگیها (مفاهیم)	طیف
عوامل بیرونی (محیطی) (ادامه)	خانواده (ادامه)	**نوع نظام** - متمرکز یا غیر تمرکز - کنکور و آزمونهای متمرکز - تفکیک دانش‌آموزان و بی‌عدالتی آموزشی	تمرکز تا عدم تمرکز
		برنامه‌های درسی - موضوعات مجزا، میان - رشته‌ای - آرمانی‌نگر، واقع‌نگر - آموزش فلسفه، موسیقی، هنر و ادبیات، مهارت‌آموزی - برنامه‌های درسی قالبی و از پیش تعیین‌شده - شکاف میان نظریه و عمل	مجزا تا یکپارچه (محدود تا وسیع)
		مدرسه - کتابهای درسی بی‌روح، دینی، هنر و ادبیات - دوستان مدرسه و همکلاسیها	محدود تا گسترده
		نقش معلم - روش تدریس - ویژگیها و نگرش معلم - دغدغه مالی معلم - ارتباط عاطفی و میزان هوش معنوی	کمرنگ تا پررنگ
	نظام اجتماعی	**رسانه‌های اجتماعی** - صدا و سیما، رادیو و تلویزیون و ماهواره - فضای مجازی، اینترنت - انواع کتابها	محدود تا وسیع
		نگرش جامعه - محیط اجتماعی - دوستان و همسالان در محلات و اطرافیان - دولت و نظام حاکم	کم تا زیاد
ارزشهای دینی	مذهب	**ایمان به خدا** - توکل، یاد خدا و نزدیکی جستن به او	کم تا زیاد
		انجام امور دینی و عبادی - نماز، رازو نیازبا خدا، مناجات، توسل به ائمه معصومین، خواندن قرآن	خیلی کم تا زیاد
		توجه به نقش دوگانه مذهب - تحریف، خلط مذهب با خرافه، تناقض و تضاد	منفی تا مثبت
ارزشهای فرادینی	عرفان	**معرفت به نفس** - خودشناسی لازمه خداشناسی - معرفت و شناخت عمیق - عرفان اسلامی	کم تا زیاد
		توجه به نقش دوگانه عرفان - حلقه‌های عرفان - عرفان کاذب	منفی تا مثبت
	فطرت	**عمل به ارزشهای فطری و انسانی** - مهربانی و عطوفت نسبت به همه موجودات - نوع‌دوستی و کمک به همنوع - احترام به انسانیت - احترام به طبیعت و کائنات	کم تا زیاد

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

۱. **عوامل درون- فردی:** عوامل درون- فردی که شرکت‌کنندگان در این مطالعه ذکر کردند پنج زیرطبقه (ماهیت وجودی انسان، عوامل ماورایی، جهان‌بینی، نیازها و تعاملات انسانی و جنسیت) دارد.

- **ماهیت وجودی انسان:** مشارکت‌کنندگان در مصاحبه به ویژگیها و مفاهیمی اشاره کردند که تحت دو عنوان بعد معنوی و روحی- روانی و استعداد و توانایی قرار گرفته‌اند. بعد روحی و معنوی از ابعاد انکارناپذیر ماهیت انسان است. بر اساس تجارب شرکت‌کنندگان هوش معنوی و توانایی بهره‌مندی از معنویات از جمله استعدادهای ذاتی است. یکی از شرکت‌کنندگان تعبیر جالبی در این زمینه داشته است: *«به نظر من معنویت و معنوی بودن هم تو سرشت ما هست، یعنی موتورش هست و مونده به اینکه ما سوختش را نمی‌رسونیم یا استارت نمی‌زنیم، بعد می‌گیم که نه من انسان معنوی نیستم.»*
- **عوامل ماورایی:** منظور از عوامل ماورایی عبارت‌اند از ماوراءالطبیعه، متافیزیک، معجزه و نیروی خارق‌العاده، هاله‌های انسانی، الهامات درونی، حس ششم و به‌طورکلی هر آنچه به‌دنیای خارج از ماده و محسوسات مربوط می‌شود.
- **نوع جهان‌بینی:** یکی از شرکت‌کنندگان ضمن اشاره به رابطه میان جهان‌بینی با هوش معنوی چنین گفته است: *«افرادی که هوش معنوی بالایی دارن، دیدگاهشون نسبت به جهان هستی عمیق تر، ظریف‌تر و دقیق‌تره، افرادی که از هوش معنوی پایین‌تری برخوردارن، جهان‌بینی و نگرش نسبتاً محدودی دارن و میشه گفت در بعد مادیات گیر کردن.»*
- **نیازها و تعاملات انسانی:** یکی از شرکت‌کنندگان در این مورد معتقد است که: *«به هر حال ... اولین مرحله از نیازهای انسان نیازهای غریزی و مادیه و بعد از اون به‌ترتیب احساسات اتفاق می‌افته و بعد از اونم درک و خودآگاهی هستش، باید اول نیازهای غریزی و مادی ارضا بشه یا از اونا کاملاً آگاهی داشته باشیم.»*
- **انسان فارغ از جنسیت:** هوش معنوی مستقل از جنسیت است و میزان هوش معنوی انسان هیچ ارتباطی به مذکر یا مونث بودن او ندارد. به‌عنوان نمونه یکی از شرکت‌کنندگان این‌طور گفته است: *«هر کس به میزان ظرفیتی که داره بهره می‌بره و ربطی به زن یا مرد بودن نداره.»*

۲. **عوامل برون- فردی یا محیطی:** عوامل محیطی یا برون- فردی یکی دیگر از عوامل زمینه‌ای به‌دست آمده در این پژوهش است که شامل زیرطبقات نقش خانواده، نظام آموزشی و نظام اجتماعی است.

- **نقش خانواده:** زیرمقوله‌های این طبقه عبارت‌اند از: مراحل زندگی، وراثت، تربیت خانوادگی و شرایط زندگی. منظور از مراحل زندگی دوران پیش از تولد یا همان دوران جنینی، نوزادی، خردسالی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و در نهایت بزرگسالی است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

- **نظام آموزشی:** این زیرطبقه بر اساس گفته‌های مشارکت‌کنندگان به چهار زیرمقولهٔ نوع نظام، برنامه‌های درسی، مدرسه و نقش معلم تقسیم‌بندی شده است. منظور از نوع نظام، میزان و شدت تمرکز در نظام آموزشی کشور است. مفاهیمی که در این قسمت از مصاحبه‌ها به‌دست آمده عبارت‌اند از مفاهیمی چون تمرکز یا غیر تمرکز، کنکور و آزمونهای متمرکز، تفکیک دانش‌آموزان و در نهایت بی‌عدالتی آموزشی که بر اساس گفته‌های آنان ناشی از تفکیک و جداسازی دانش‌آموزان تحت عناوین گوناگون است. یکی از مشارکت‌کنندگان که از دست‌اندرکاران حوزه پژوهشی تعلیم و تربیت بوده و با دانش‌آموزان در ارتباط است، دربارهٔ عدم موفقیت نظام آموزشی ماشینی و متمرکز کشور، این چنین اظهارنظر کرده است: *«باید بریم به سمت نظامهای تربیتی که به دنبال تربیت انسان هستند، به دنبال تعالی انسان هستند. افرادی که درست تربیت شده و هوش معنوی درستی در اونها شکل گرفته است معمولاً انسانهایی هستند که به سمت تعالی میرن... .»* همچنین یکی از دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مورد عدم معرفی هوش‌معنوی در برنامه‌های درسی این‌طور گفته است: *«متاسفانه تو کتابای درسی‌مون به هیچ عنوان هوش معنوی اسمشو نیاوردن، به نظر من اگه اسم هوش معنوی رو بیارن تو کتابامون و یه کم توضیح بدن ازش خیلی بهتر میشه، چون دانش‌آموزان می‌تونن در موردش اطلاعات زیادی پیدا کنن از کتابا... .»*
- **نظام اجتماعی:** دانش‌آموزان در فرایند شکل‌گیری هوش معنوی، ناخودآگاه متأثر از نظام اجتماعی‌اند که دارای دو زیرطبقه تحت عنوان رسانه‌های اجتماعی و نگرش جامعه است. به‌عنوان‌مثال یکی از دانشجویان شرکت‌کننده در این زمینه این چنین اظهارنظر کرده است: *«متاسفأنه تو این وضعیت جامعهٔ ما، جامعه به هنر اهمیت زیادی نمیده و معمولاً به هنری که به ابتذال رو میاره بیشتر اهمیت میده، هر چند که تو زبون اینطور نشون نمیده ولی عملاً هدایت می‌کنه جوونها رو به سمت هنری که یه جوری ابتذالی هست.»* همین‌طور دانش‌آموز شرکت‌کننده هم برداشت خود را این‌گونه بیان کرده است: *«... مثلاً تو رسانه‌ها هم بیشتر همین مطالبو حجاب و نماز و روزه و ...اینا رو می‌بینیم. ولی می‌تونن برنامه‌ها یا تبلیغاتی پخش کنن که در مورد حیوانات باشه، محیط زیستمون باشه که کمکشون کنیم در واقع عشق ورزیدن به همه بندگان و مخلوقات خدا مهمه، نه فقط تو روزه و حجاب و اینا خلاصه بشه.»*

۳. ارزشهای دینی: این طبقه تحت‌عنوان مفاهیم کلی ایمان به خدا، انجام دادن امور دینی و عبادی مقوله‌بندی شده است. عده‌ای از شرکت‌کنندگان هوش معنوی را مرتبط با ایمان به خدا دانسته و از تعابیری چون توکل و توسل به خدا و تقرب و نزدیکی جستن به او استفاده کرده‌اند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

۴. ارزشهای فرادینی: این طبقه اصلی به دو زیرطبقه عرفان و فطرت انسانی تقسیم‌بندی شده است. عرفان منشأ تحـول روحـانی و معـنوی در نفس انسان می‌شود. از ایـن روست که ارتباط تنگاتنگی با مقوله هـوش‌معـنوی دارد. فطرت هم به‌معنـای نـوعی خاص از آفرینش است و مراد از فطرت انسانی، آفرینش خاص انسان و ویژگیهایی است که خداوند در اصل خلقت وی قرار داده است.

◉ مفهوم‌پردازی فرایند

فرایند در داده‌ها از طریق توالی عمل/ عکس‌العمل و در پاسخ به تغییر در شرایط و وضعیتها نشان داده می‌شود. چگونگی توصیف یا مفهوم‌پردازی فرایند بـستگی بـه محـتوای داده‌ها و تفسیر پژوهشگر از این داده‌ها دارد. فرایند می‌تواند به‌صورت تکاملی، ترسیم الگوها، حرکت به سمت هدف و ... توصیف شود (اشـتراوس و کوربین، ۲۰۰۸). در ایـن مطالعـه از آنجـایی که داده‌هـا حـاکی از تـغییر و تـحول در عمل/ عکس‌العمل و عواطف و روحیات و حالات افراد در یک روند تکاملی با گـذشت زمان و تغـییر در شرایط زمینه‌ای اســت، لذا فرایند به‌صورت مراحلی پیوسته و درهم تنیده و مرتبط به هم توصیف می‌شود. فرایند شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه دارای دو مرحلهٔ درک جایگاه هوش معنوی و مقابله با موانع تکوین هوش معنوی است که در ادامه توصیف می‌شود.

جدول ۲. مفهوم‌پردازی فرایند (کنش- واکنشها) در شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان

طبقه	زیرطبقه	مفاهیم (ویژگیها)	پیامد	طیف
درک جایگاه هوش‌معنوی	دریافت (آگاهی)	کنترل کنندگی کنترل، مراقبت، فراتر از سایر انواع هوش	رشد ارزشهای اخلاقی	کم تا زیاد
			کاهش رذایل اخلاقی	
		جهت‌دهی نگرش، نوع نگاه، جهان‌بینی، هدایت و جهت‌دهنده	تحول در جهان‌بینی	محدود تا گسترده
			پرورش حس زیبایی شناختی	
			رضایت از زندگی	
			دریافت الهامات	
			مدیریت ارتباطات	
		ساماندهی سروسامان، نظم، سازماندهی	موفقیت در زندگی	کم تا زیاد
		هشداردهی بیدارکنندگی، هشداردهنده	بیداری وجدان	کم تا زیاد

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

جدول ۲. (ادامه)

طبقه	زیرطبقه	مفاهیم (ویژگیها)	پیامد	طیف
درک جایگاه هوش‌معنوی (ادامه)	تجارب مستقیم	انجام فرائض دینی	توکل، تقرب و نزدیکی به خدا (با انتظار پاداش)	کم تا زیاد
			آرامش درونی	کم تا زیاد
		انجام فرائض انسانی	تقرب و نزدیکی به خدا (بدون توقع پاداش)	کم تا زیاد
			آرامش درونی(روحی)	کم تا زیاد
		پرداختن به هنر اصیل	اتصال به معنویت (خدا)	کم تا زیاد
			آرامش روحی	کم تا زیاد
	مشاهده	مشاهده الگو	الگوپذیری	منفی تا مثبت (نامطلوب تا مطلوب)
مقابله با موانع شکل‌گیری هوش معنوی	تمرین سکوت	خلوت‌نشینی، غور در باطن	خودشناسی	کم تا زیاد
	بازنگری در برنامه‌های درسی	دروس میان-رشته‌ای	درک ارتباط بین پدیده‌ها	جزءنگری تا کل نگری
		آموزش فلسفه	وسعت تفکر	محدود تا وسیع
		توجه به جایگاه هنر و ادبیات	گرایش به معنویات، آرامش	کم تا زیاد
	رویکرد انسان‌گرا و غیرمتمرکز در نظام آموزشی	توجه به علائق فراگیران	احترام به انسانیت، آرامش	کم تا زیاد
		تدبیراندیشی برای کنکور به‌عنوان یک مانع در جهت رشد هوش معنوی، ترغیب و آموزش معلمان برای به‌کارگیری روشهای تدریس خاص	کاهش اضطراب، استرس، افسردگی و ناامیدی و اختلالات روانی و بحران هویت افزایش اعتمادبه نفس و امید	تمرکز تا عدم تمرکز
	تفکر در خلقت، توکل به خدا	سؤالات وجودی، توکل و اعتماد به خدا	خودشناسی، خداشناسی	کم تا زیاد

۱. درک جایگاه هوش معنوی: فرایند شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان با درک اهمیت و جایگاه هوش معنوی آغاز می‌شود. این فرایند بر اساس کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها به سه‌صورت انجام می‌پذیرد: دریافت یا آگاهی، تجارب مستقیم و مشاهده.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

- **دریافت یا آگاهی:** آگاهی دانش‌آموزان از نقش و اهمیت هوش معنوی اهمیت بسیار دارد. آنها در بیان تجارب و تفاسیر خود، هوش معنوی را دارای ویژگیهایی مانند کنترل‌کنندگی، جهت‌دهندگی، ساماندهی و هشداردهندگی دانسته‌اند. به باور آنها هوش معنوی فراتر از سایر هوشهاست و آنها را کنترل می‌کند.
- **تجارب مستقیم:** آن دسته از حالات یا موقعیتهایی هستند که مشارکت‌کنندگان به‌طور مستقیم و بدون واسطه آنها را تجربه یا احساس کرده‌اند. بنابر اظهارات مصاحبه‌شوندگان این تجارب از طریق انجام دادن فرائض دینی، فضائل انسانی و پرداختن به هنر اصیل حاصل شده است. فضائل انسانی عبارت است از اموری که بر اساس فطرت و سرشت انسانی است و انجام دادن آنها مستقل از عوامل مذهبی، قومی، نژادی و جنسیتی، گواه بر انسانیت اوست. یکی از اصلی‌ترین و بهترین شیوه‌ها برای درک عمیق جایگاه هوش معنوی، پرداختن به هنر اصیل به‌ویژه کارهای هنری مانند نقاشی و موسیقی است. تجربه یکی از شرکت‌کنندگان به این شکل بوده است: «*موسیقی و هنر هم عین یه طناب میمونه که از این مرحلهٔ احساسات پایین اومده. هر کی که به اینا متوسل میشه می‌تونه درکش رو از معنویات و احساسات و عواطف انسانی ببره بالا. واسه همین هر موقع که احساس می‌کنم کم آوردم پناه می‌برم به موسیقی و نقاشی.*»
- **مشاهده:** بنابر تجاربی که مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌اند، مشاهدهٔ الگو، مدل یا راهنمای عملی است که منجر به بروز یا افزایش هوش معنوی آنان شده است. به‌عبارت‌دیگر، الگوگیری مطلوب مورد نظر بوده است. مصاحبه‌شوندگان در این زمینه به مواردی اشاره کرده‌اند که زمینه‌های توجه به معنویت و در نتیجه برخورداری از هوش معنوی را در پی داشته است: «*از وقتی چشم باز کردم دیدم مامانم همش به فکر بقیه است به منم همیشه میگه آدم نباید همش به فکر خودش باشه، همین طور بابام.*»

۲. راهبردهای مقابله با موانع: در این بخش راهبردهای مقابله با موانع تکوین هوش‌معنوی یا به‌عبارتی راهبردهایی برای تسریع در روند شکل‌گیری هوش معنوی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه مورد بررسی قرار می‌گیرند. این راهبردها دارای چهار زیرطبقه‌اند: تمرین سکوت، بازنگری در برنامه‌های درسی، رویکرد انسان‌گرا و غیرمتمرکز در نظام آموزشی و تفکر در خلقت (تفکر وجودی).

براساس تجاربی که مشارکت‌کنندگان در این مطالعه بیان کرده‌اند، سکوت، مجال غوطه‌وری در نفس و هستی را به انسان می‌دهد و شناخت و تجربه‌ای دست اول در اختیار او قرار می‌دهد. شرکت‌کنندگان در این پژوهش این مقوله را با تعابیری چون، سکوت محض، زنگ سکوت، غور در باطن، خلوت‌نشینی و مانند آن بیان کرده‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان این‌طور اظهار نظر کرده است: «*اصلاً خلوت‌نشینی و*

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

سکوت محض برای مدتی، خودش می‌تونه ما رو به شناخت برسونه. به نظر من اصلاً می‌تونه یه تکنیک حساب بشه برای رشد هوش معنوی.» همچنین اعتماد و اتکای به حکمت و قدرت لایزال خداوند نیز از بهترین راهکارهای عملی اســـت که روند شکل‌گیری هوش معنوی را تسریع می‌بخشد. نکتهٔ ظریفی که در اینجا وجود دارد این است که توکل در فرایند شکل‌گیری هوش معنوی می‌تواند هم به‌عنوان راهبرد باشد و هم پیامد. اغلب شرکت‌کنندگان در این مطالعه از وجود کم و کاستیهای برنامه‌های درسی مدارس گله‌مند بوده و برای اصلاح آن راهکار ارائه داده‌اند.

◉ پیامدها

پیامدهای عوامل زمینه‌ای و فرایندی در شـــکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه در چهار طبقهٔ اصلی تحت عناوین تحول در جهان‌بینی، دستیابی به آرامش درونی، موفقیت در زندگی و رشد ارزشهای اخلاقی طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول ۳. پیامدهای عوامل زمینه‌ای و فرایندی در شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان

طبقه	زیرطبقه	مفاهیم (ویژگیها)	طیف
تحول در جهان‌بینی	تحکیم ارتباط با خدا	درک و شناخت عمیق و باطنی امور	محدود تا وسیع
	دریافت الهامات	الهاماتی قلبی و امدادهای غیبی	محدود تا وسیع
	پرورش حس زیبایی‌شناختی	همه چیز را زیبا و بامعنا دیدن	محدود تا وسیع
	احساس رضایت و لذت از زندگی	درک حکمت امور	محدود تا وسیع
دستیابی به یک طمأنینه و آرامش درونی	گرایش به معنویت	ارزشهای دینی و فرادینی	کم تا زیاد
		عرفان و علوم غریبه	کم تا زیاد
	تقرب و نزدیکی به خدا	ارزشهای دینی(مذهب)	کم تا زیاد
		ارزشهای‌فرادینی(عرفان و فطرت)	کم تا زیاد
	توجه به علائق	علاقه و استعدادهای ذاتی و خدادادی	کم تا زیاد
موفقیت در زندگی	رشد و افزایش عاملهای موفقیت	افزایش اعتماد به نفس و امید به زندگی	کم تا زیاد
	رفع موانع پیشرفت	کاهش اضطراب، افسردگی، ناامیدی و بحران هویت	کم تا زیاد
رشد ارزشهای اخلاقی	بعد درون- فردی	دوری از بدیها و رذایل اخلاقی گرایش به فضائل اخلاقی	کم تا زیاد
	بعد برون- فردی و میان -فردی	احترام به کائنات (انسانیت، طبیعت و حیوانات)	کم تا زیاد

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

۱. **تحول در جهان‌بینی:** ویژگیهای این بخش بر اساس تجربه شرکت‌کنندگان شامل چهار طبقه است: تحکیم ارتباط با خدا، دریافت الهامات یا حس ششم، پرورش حس زیبایی‌شناختی و احساس لذت و رضایت از زندگی. طبق اظهار یکی از مشارکت‌کنندگان: «*هوش معنوی باعث میشه از دیدن مخلوقات خدا لذت ببریم و بیشتر زیباییها رو ببینیم. حتی زیباییهای پشت پردهٔ خیلی از پدیده‌ها که به ظاهر دردناک‌اند. مثل وقایع عاشورا که حضرت زینب فرمودن من به‌جز زیبایی چیزی نمی‌بینم.*»

۲. **دستیابی به آرامش درونی:** واقعیتی که اکثر شرکت‌کنندگان در این مطالعه نیز بر آن صحه گذاشته و برای تحقق‌پذیری آن دست به تجاربی زده و نتایجی گرفته‌اند که عبارت‌اند از: تقرب و نزدیکی به خدا، گرایش به معنویت.

۳. **رشد ارزشهای اخلاقی:** رشد ارزشهای اخلاقی به‌منزلهٔ یکی از پیامدهای هوش معنوی، دارای دو زیرطبقه است که یکی از طبقات مرتبط با جنبه درون- فردی و دیگری مرتبط با جنبه برون- فردی و میان- فردی است. با وجود اینکه جنبه برون- فردی یا میان- فردی متأثر از بعد ویژگیهای درون- فردی است، ولی در اینجا بیشتر ویژگیها و رفتارهایی مدنظرند که در ارتباط با همنوعان و سایر موجودات مانند گیاهان، حیوانات و طبیعت باشد، مانند فداکاری برای همنوع، خیرخواهی، گذشت، بخشش، مهربانی، احترام به طبیعت و حیوانات و گیاهان و مراقبت از محیط‌زیست و مانند اینها. به‌عنوان مثال تعدادی از دانش‌آموزان مصاحبه‌شونده برداشت خود را در این مورد بیان کرده‌اند: «*مثلاً کمک به حیوانات، مثلاً وقتی می‌بینیم یه گربه یا گنجشکی گرسنه‌اس می تونیم بیرون یا تو پشت‌بوم یه غذایی، نونی، گندمی بریزیم تا اونا بخورن و سیر بشن.*» و مورد بعدی: «*خدا خودش تو قرآن گفته که اگه انسانی به انسان دیگه که بندهٔ منه کمک کنه اونو شاد کنه، یعنی منو شاد کرده، یعنی مهم انسانیتش هست که بتونه کمک کنه، دست یکی رو بگیره و مشکلشو حل کنه. مثلاً کاری کنیم که آشغالا رو زمین نریزیم، محیط‌زیستمونو آلوده نکنیم و اینطوری مورد رضایت خدا قرار بگیریم، یا به دیگران به‌محرومان کمک کنیم از دستشون بگیریم یا مثلاً اگه من بخوام بگم از تجربیات خودم می‌تونه این باشه که به‌دوستمون کمک کنیم در زمینه درسها.*»

◉ یکپارچه‌سازی نظری

آخرین مرحله در پژوهش نظریه پایه ترکیب طبقات حول یک پدیده مرکزی است که به آن انسجام نظری گویند. با توجه به تحلیل داده‌ها و بررسی مشاهدات در این پژوهش، این‌گونه به‌نظر می‌رسد که دغدغه و هدف اصلی مشارکت‌کنندگان در نهایت کنترل شرایط بحرانی زندگی به یاری معنویات بود، به‌طوری که این هدف مشترک و تکرارشونده در تجربیات همهٔ شرکت‌کنندگان در مطالعه، مشهود بود.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

دومین گام مطالعه، بررســی این مطلب بود که چگونه مشــارکت‌کنندگان با شرایط بحرانی و فشارهای زندگی روبه‌رو می‌شوند؟ کدام طبقــه یا مـفهوم، به‌منزلهٔ مفهوم مرکزی، سـایر متغیرها را تـحت‌تأثیر قرار داده اســت؟ کاوش عمیق در یافته‌ها و ارتباطات میان طبقات و توجه به اقداماتی که افراد به‌منظور کنار آمدن با این شــرایط انجام می‌دادند، منجر به کشف مفهوم مرکزی مطالعه شد. در نتیجه دستیابی به آرامش درونی به‌منزلهٔ متغیر مرکزی مفهوم‌پردازی شد، زیرا اگر دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه کـه در این مقطع از طرفی با فشــارهای ناشــی از آزمون کنکور و تعیین سرنوشــت خود دست و پنجه نرم می‌کنند و از طرفی هم به‌طور طبیعی با مسائل و بحرانهای خاص دوره نوجوانی مواجه می‌شوند، بتوانند در این شرایط به آرامشی واقعی برسند، نشان‌دهنده این واقعیت است که نه تنها توانسته‌اند مشکلات و فشارهای خاص این مقطع را تحت‌کنترل خود درآورند، بلکه به اساسی‌ترین چالش، دغدغه و نیاز مبرم هر انسان که دستیابی به یک اطمینان‌خاطر و آرامش درونی است، پاسخ داده‌اند. البته این مفهوم از زمینه نیز نشأت می‌گیرد، در واقع متغیر مرکزی تلاشی است که شرکت‌کنندگان برای رهایی از شرایط دشوار و فشــارهای سخت انجام می‌دهند. بنابراین دستیابی به آرامش درونی طبقات را به هم وصل می‌کند و می‌تواند به‌عنوان طبقه یا متغیر مرکزی در نظر گرفته شود. در حقیقت رسیدن به آرامش، پیامد مشترک زمینه‌ها و فرایندهای مربوطه در شکل‌گیری هوش معنوی است

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

هدف مطالعه حاضر تعیین فرایند شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه و عناصر تشــکیل‌دهندهٔ هوش معنوی دانش‌آموزان بود. برای دســتیابی به یافته‌های پژوهش، نخست داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های عمیق تا زمان دستیابی به اشباع نظری ادامه یافته و داده‌های گردآوری شده با رویکرد کوربین و اشتراوس کدگذاری شده‌اند. نتایج مطالعه نشان داد که اولین طبقه مربوط به عوامل زمینه‌ای که مشــارکت‌کنندگان به آن اشــاره کرده‌اند، عوامل درون- فردی است که از ماهیت وجودی انسان، عوامل ماورایی، جهان‌بینی، نیازها و تعاملات انسانی و انسان فارغ از جنسیت تشکیل یافته است. مشایخ و روشنی (۱۳۹۵)، شجاعی و سلیمانی (۱۳۹۴) نیز به این نتیجه دست یافته‌اند که هوش معنوی شامل هدایت و معرفت درونی، حفظ تعادل فــکری و آرامــش درونی است و ایـنکه معنـویت یکی از نیازهای درونی انســان اســت. نتایج مطالعهٔ گوپتا[1] (۲۰۱۲) نشان داده که هوش معنوی به‌طور مثبت و معناداری همبسته است با خودتنظیمی و ابعاد آن که یک امر درون- فردی است. نتایج پژوهش حمیدی و صداقت(۱۳۹۱) نیز نشان داده است که بین جنسیت و میزان هوش معنوی، ارتباط معنادار وجود ندارد. همچنین احمدی و کجباف (۱۳۸۷) وجود رابطه بین ســن با هوش معنوی را رد کرده بودند. همچنین عبدلی و همکاران (۱۳۹۴) نشـان دادند که جنسیت بر هـوش مـعنوی دانـشجویان تاثـیر چندانی ندارد،

1. Gupta

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

در حالی‌که در پژوهش جورج[1] (۲۰۰۶) هوش معنوی زنان به‌طور معناداری بیشتر از مردان به‌دست آمده است.

دومین عامل زمینه‌ای که در این پژوهش دربارهٔ شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان ظاهر شده است، عوامل بیرونی یا محیطی بود. عوامل گوناگونی که خارج از اختیارات دانش‌آموز در فرایند شکل‌گیری هوش معنوی او مؤثرند، بنابر اعلام مشارکت‌کنندگان عبارت بودند از: خانواده، نظام آموزشی و نظام اجتماعی. به عقیده هادی‌تبار و همکاران (۱۳۹۰) نیز هوش معنوی با قرار گرفتن در محیطهای غنی و سؤال‌برانگیز و افزایش خودآگاهی می‌تواند به شفافیت رشته‌های ارتباطی انسان و ماوراءش کمک کند. امینی‌جاوید و همکاران (۱۳۹۴) نیز به این نتیجه دست یافته‌اند که فرد در سایه هوش معنوی جنبه‌های بیرونی هوش را با جنبه‌های درونی معنویت در هم آمیخته و معنویت را به شکلی کاربردی مورد استفاده قرار می‌دهد. مشارکت‌کنندگان در زمینهٔ برنامه‌های درسی به موارد مهمی اشاره کرده‌اند و بر اساس تجربیاتی که داشتند بها دادن به هنر به‌ویژه موسیقی اصیل ملی و قومی را از مهم‌ترین عوامل تسریع‌کننده در روند شکل‌گیری هوش معنوی دانسته اند. پژوهشهای متعددی که در مورد برنامه‌درسی هنر و آموزش زیبایی‌شناختی در کشور ما انجام شده نیز نشان می‌دهند که این مقوله در آموزش و پرورش مهجور مانده و توجهی به آن نشده است که می‌توان در این زمینه به پژوهش ابراهیمی و محمدی(۱۳۹۲)، شکوهی (۱۳۸۰) و فقیرپور (۱۳۸۹) اشاره کرد. همچنین توجه به علائق دانش‌آموزان در طراحی برنامه‌های درسی از مواردی بود که مشارکت‌کنندگان متذکر شدند. ریولی[2] (۲۰۱۰) نیز در مطالعه خود دریافت که سطح علائق و دانش معنوی دانش‌آموزان، همبستگی قوی دارد با آنچه در برنامه‌های درسی مدارس ارائه می‌شود. همچنان که دانیلیوک[3] و همکاران (۲۰۱۰) نیز به این نتیجه دست یافته‌اند که گنجاندن معنویت در قالب برنامه‌های درسی مراکز آموزشی به همراه تعامل مدرسه با سایر نهادهای اجتماعی شرایط لازم را برای پرورش اخلاقی و حتی عقلانی دانش‌آموزان فراهم می‌سازد. ارزشهای دینی و مذهبی هم یکی‌دیگر از عوامل مهم زمینه‌ای در فرایند شکل‌گیری هوش‌معنوی دانش‌آموزان‌اند. مفاهیمی چون ایمان و توکل به خدا، تقرب و نزدیکی به او، انجام دادن امور دینی و عبادی چون نماز، وضو، مناجات و رازو نیاز با خدا، توسل به ائمه، توکل به خدا و خواندن قرآن از مفاهیم ذکرشده ذیل ارزشهای دینی‌اند که مشارکت‌کنندگان بیان داشته‌اند. مطابق نتایج به‌دست آمده، مذهب نقشی بسیار مؤثر در این فرایند ایفا می‌کند. نتایج پژوهشهایی مانند پژوهش ناسل (۲۰۰۴) و عابدینی و برات‌دستجردی (۱۳۹۳) نیز نشان داده‌اند که میان مذهب و معنویت و هوش معنوی، رابطه‌ای پیچیده وجود دارد و دینداری نه تنها می‌تواند به رشد هوش معنوی کمک کند، بلکه آن را تسهیل می‌کند. آخرین عامل زمینه‌ای در شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان که در این مطالعه به‌دست آمده عبارت است از

1. George
2. Rivelli
3. Daniliuk

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

ارزشـــهای فرادینی شـــامل زیرطبقه‌های عرفان و فطرت. طبق نتایجی که از تحلیل مصاحبه‌ها به‌دست آمد، عرفان به معنای شـــناخت و معرفت نقشی بسیار اساسی در این فرایند به‌عهده دارد. نتایج پژوهش رضائی و شیخلووند (۱۳۹۶) نیز نشان داده بود که هوشمند معنوی همان انسان عارف و کسی است که مهارت و قدرت فرابردن خود و دیگران به ســـاحات برتـــر را دارد و تمام مباحث پیرامون عارف و مؤمن در حقیقت بازنمود هویت هوشـــمند معنوی اســـت. همچنین لطیفی و همکاران (۱۳۹۳) وجود ارتباط میان هوش معنوی و گرایشهای عرفانی را مورد تأیید قرار داده‌اند.

نخستین مرحله از فرایند شـــکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان با دریافت و آگاهی آغاز می‌شود. در یک مقایســـهٔ اجمالی با ســـایر انواع هوش می‌توان گفت که هوش معنوی از ویژگی کنترل‌کنندگی، جهت‌دهی، ساماندهی و هشداردهی برخوردار است. لذا آگاهی از این ویژگیها و کارکردهای هوش معنوی در زندگی و مقاطع حســـاس آن موجب علاقه‌مندی و توجه بیشتر به این مقوله و شکل‌گیری تدریجی آن می‌شود. لطیفی و همکاران (۱۳۹۳) نیز وجود ارتباط میان هوش معنوی و آگاهی را مورد تأیید قرار داده‌اند. دانش‌آموزان علاوه بر درک جایگاه هوش معنوی برای مقابله با تنشهای ناشی از دوران نوجوانی و مراحل تحصیلی که ممکن است در مسیر شکل‌گیری هوش معنوی آنان مانع ایجاد کنند، راهبردهایی متفاوت دارند. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش این راهبردها را در سه مفهوم کلی تمرین سکوت، تفکر در خلقت، بازنگری در برنامه‌های درسی و رویکرد انسان‌گرا و غیرمتمرکز در نظام آموزشی مطرح کردند که این با نتایج پژوهش دهقانی و فضل‌الهی قمشـــی (۱۳۹۴)، مصباح‌یزدی (۱۳۹۶)، ریولی (۲۰۱۰) و دانیلیوک و همکاران (۲۰۱۰) همسوست.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر فرایند شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان با توجه به عوامل زمینه‌ای دخیل در آن، پیامدهایی ارزشـــمند دارد، از جمله تحـــول در جهان‌بینی با زیرطبقات تحکیم ارتباط با خدا، دریافت الهامات، پرورش حس زیبایی‌شـــناختی و احســـاس رضایت از زندگی، دستیابی به طمأنینه و آرامش درونی به‌منزلهٔ مهم‌ترین پیامد و موفقیت در زندگی و رشـــد ارزشـــهای اخلاقی که بـــا نتایج پژوهش امینی‌جاویـــد و همکاران (۱۳۹۴)، رضایی و شـــیخلووند (۱۳۹۶)، لطیفی و همکاران (۱۳۹۳)، کوراژیا[1] و همکاران(۲۰۱۶) و اســـمیت[2] (۲۰۰۴) همسوســـت. همچنین این پیامدها با اهداف ذکرشده در سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی ایران همخوانی دارند و در راستای نظام تعلیم و تربیت دینی و اســـلامی‌اند. در این پژوهش دستیابی به طمأنینه و آرامش درونی به‌عنوان مقوله کانونی و پیامدی که تقریباً با همه عوامل زمینه‌ای در ارتباط است، نمایان شد که شامل زیرطبقات گرایش به معنویت، تقرب و نزدیکی به خدا و توجه به علائق اســـت و همســـو با نتایج پژوهش تمنائی‌فر و حسین‌پناه (۲۰۱۹)، صفاچالشـــتری و همکاران (۱۳۹۶)، امینی‌جاوید و همکاران (۱۳۹۴)، رضایی و

1. Koražija
2. Smith

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

شیخلووند (۱۳۹۶)، لطیفی و همکاران (۱۳۹۳) و اسمیت (۲۰۰۴) است.

از محدودیتهای این پژوهش می‌توان به فقدان پژوهشـــهای مشـــابه برای مقایسه نتایج اشاره کرد. همچنین در پژوهشهای کیفی مشارکت‌کنندگان ممکن است در بیان تجارب خود، تمام موارد را درباره موضوعات بیان نکنند و ملاحظاتی را در نظر بگیرند که این مورد از کنترل پژوهشگر خارج بود، هرچندکه سعی شـــد این موضوع با برقراری ارتباط مؤثر کنترل شود. به‌ویژه این محدودیت در پژوهش حاضر که موضوع آن با عقاید و باورهای درونی و تجارب مربوط به احساسات باطنی مشارکت‌کنندگان در ارتباط اســـت، چشـــمگیرتر بود. با عنایت به اینکه شـــکل‌گیری هوش معنوی و مؤلفه‌های آن به شدت کیفی، تفسیری و تابع موقعیتهاست، لذا تعمیم آن نیازمند پژوهشهای گسترده و مطالعات عمیق در این زمینه است. از این‌رو پیشنهاد می‌شود که پژوهشهای مشابهی در سطح ملی انجام شود. به‌طور خاص، مطالعات مبتنی بر شواهد بیشتری در زمینهٔ آموزش دانش‌آموزان، مورد نیاز است و باید در مورد آنچه در ایجاد یا شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان مؤثر است، تحقیق شود.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

منابع

REFERENCES

ابراهیمی، جواد و محمدی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۲). جایگاه هنر در برنامه درسی آموزش و پرورش. *همایش ملی تغییر در برنامه درسی دوره‌های آموزش و پرورش*، دانشگاه بیرجند.

ابراهیمی کوه‌بنانی، شهین. (۱۳۹۰). *بررسی رابطه بین هوش معنوی و هوش‌هیجانی با رضایت از زندگی در دانش‌آموزان تیزهوش دختر دوره متوسطه شهر بیرجند*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائنات.

احمدی، سیدجعفر و کجباف، محمدباقر. (۱۳۸۷). بررسی نگرش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط با برخی ویژگیهای جمعیت‌شناختی. *فصلنامه دانشگاه اصفهان*، ۴، ۱۲۵-۱۴۷.

امینی‌جاوید، لیلا؛ زندی‌پور، طیبه و کرمی، جهانگیر. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش هوش معنوی بر افسردگی و شادکامی دانش‌آموزان دختر. *زن و جامعه*، ۶ (۲)، ۱۴۱-۱۶۸.

حمیدی، فریده و صداقت، حسین. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه ای هوش معنوی دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه بر اساس جنسیت و پایهٔ تحصیلی. *زن در فرهنگ و هنر*، ۴ (۴)، ۷۵-۸۸.

دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (سند مشهد مقدس)*. تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.

دهقانی، مهری و فضل‌الهی قمشی، سیفاله. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین «هوش معنوی» و «تعهد سازمانی» دبیران. *دوفصلنامهٔ علمی - پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۹ (۶)، ۱۰۵-۱۳۲.

رضایی، نصرا و شیخلووند، فاطمه. (۱۳۹۶). هوش معنوی و جلوه‌های آن در چهره‌های شاخص عرفان. *مجله زبان و ادبیات فارسی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳ (۴)، ۱۲۹-۱۵۱.

رئیسی، مجید؛ کاکائی، مریم و رئیسی، صدیقه. (۱۳۹۷). تعیین رابطه بین هوش معنوی و امیدواری با کیفیت زندگی دانشجویان دختر و پسر رشته‌های علوم‌انسانی و علوم ریاضی دانشگاه پیام نور شهر اردل. *رویش روان‌شناسی*، ۷ (۱)، ۲۳۷-۲۵۷.

سهرابی، فرامرز و ناصری، اسماعیل. (۱۳۸۸). بررسی مفهوم و مولفه‌های هوش معنوی و ساخت ابزاری برای سنجش آن. *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، دانشگاه خوارزمی، ۳ (۴)، ۶۹-۷۷.

شایان‌فر، معصومه. (۱۳۹۱). *رابطه بین هوش معنوی و خلاقیت با رضایت شغلی در دبیران مدارس شهرستان ایوان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء.

شجاعی، احمد و سلیمانی، اسماعیل. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) شهرستان اردبیل. *مجله روان‌شناسی مدرسه*، ۴ (۱)، ۱۰۴-۱۲۱.

شکوهی، غلامحسین. (۱۳۸۰). *مبانی و اصول آموزش و پرورش*. مشهد: به نشر وابسته به آستان قدس رضوی.

صفاچالشتری، کتایون؛ شریفی، طیبه و قاسمی پیربلوطی، محمد. (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی آموزش گروهی هوش معنوی بر بهزیستی روانشناختی دختران مقطع متوسطه دوم شهر شهرکرد. *کنگره بین المللی بهداشت روان و علوم روانشناختی*.

عابدینی، یاسمین و برات‌دستجردی، نگین. (۱۳۹۳). رابطه دینداری و هوش معنوی و تأثیر آنها بر عملکرد تحصیلی دانشجویان. *رویکردهای نوین آموزشی*، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان، ۹ (۱)، ۳۷-۵۲.

عبدلی، نسرین؛ اسدی، رقیه و دلاور، علی. (۱۳۹۴). نقش ویژگی‌های تحصیلی و جنسیت در تغییرات هوش معنوی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر. *فصلنامه پژوهشهای نوین روانشناختی*، ۱۰ (۳۹)،۱۴۱-۱۵۹.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

فقیرپور، مقصود. (۱۳۸۹). راهنمای *ایفای نقش تربیتی دوره راهنمایی تحصیلی(ویژه معلمان)*. رشت: بلور.

لطیفی، زهره؛ عبداللهی، عظیمه؛ صادقی، حمیدرضا و استکی آزاد، نسیم. (۱۳۹۳). ارتباط بین هوش معنوی، آگاهی و گرایش‌های عرفانی. *پژوهش‌های معنوی*، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، قابل بازیابی در:
http://pmbo.ir/Product.aspx?ProductID=178&strReferer=search&PPGR=0

مشایخ، محمدرضا و روشنی، مریم. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر هوش معنوی بر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان دختر منطقه ۷ استان تهران. *پژوهشهای جدید در مدیریت و حسابداری*، ۳ (۱)، ۲۳-۳۷.

مصباح‌یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۶). *بررسی سبک‌های تربیتی امام خمینی(ره)*. قابل بازیابی در:
http://mesbahyazdi.ir/node/4093

نوروززاده، رضا؛ محمودی، رضا؛ فتحی واجارگاه، کوروش و نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم. (۱۳۸۵). وضعیت سهم مشارکت دانشگاهها در بازنگری برنامه‌های درسی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۲ (۴)، ۷۱-۹۳.

هادی‌تبار، حمیده؛ نوابی‌نژاد، شکوه و احقر، قدسی. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر کیفیت زندگی همسران جانباز شاغل به تحصیل در مدارس بزرگسالان شهر تهران در سال تحصیلی ۹۰-۸۹. *مجله طب جانباز*، ۴ (۴)، ۱-۱۱.

Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (3rd ed.). Sage Publications, Inc.

Daniliuk, A. I., Kondakov, A. M., & Tishkov, V. A. (2010). The spiritual and moral education of Russia's school students. *Russian Education and Society*, *52*(2), 3-18.

George, M. (2006). Practical application of spiritual intelligence in the workplace. *Human Resource Management International Digest, 14*(5), 3-5.

Gupta, G. (2012). Spiritual intelligence and emotional intelligence in relation to self-efficacy and self-regulation among college students. *International Journal of Social Sciences and Interdisciplinary Research, 1*(2), 60-69.

King, D. B. (2008). *Rethinking claims spiritual intelligences: A definition, model, and measure*. Master's thesis, Trent University, Ontario.

Koražija, M., Šarotar Žižek, S., & Mumel, D. (2016). The relationship between spiritual intelligence and work satisfaction among leaders and employees. *Naše gospodarstvo/Our Economy*, *62*(2), 51-60.

Nasel, D. (2004). *Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A consideration of traditional Christianity and new age/individualistic spirituality.* (Doctoral dissertation). University of South Australia.

Rivelli, S. (2010). Citizenship education at high school: A comparative study between Bolzano and Padova (Italy). *Journal of Social and Behavioral Sciences*, *2*, 4200-4207.

Sisk, D. (2008). Engaging the spiritual intelligence of gifted students to build global awareness in the classroom. *Roeper Review, 30*(1), 24-30.

Skrzypińska, K. (2021). Does spiritual intelligence (SI) exist? A theoretical investigation of a tool useful for finding the meaning of life. *Journal of Religion and Health, 60*(1), 500-516.

Smith, S. (2004). Exploring the interaction of trauma and spirituality. *Traumatology, 10*(4), 231-243.

Sternberg, R. J. (2002). The theory of successful intelligence and its implications for language aptitude

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

testing. In P. Robinson (Ed.), *Individual differences and instructed language learning* (pp. 13-43). John Benjamins Publishing Company.

Tamannaeifar, M., & Hossain Panah, M. (2019). Psychological effects of spiritual intelligence and creativity on happiness. *International Journal of Medical Investigation, 8*(2), 91-107.

Upadhyay, S., & Upadhyay, N. (2016). A multi-criteria decision framework to measure spiritual intelligence of university teachers. *Procedia Computer Science, 91*, 591-598.

Wigglesworth, C. (2012). SQ21: *The twenty-one skills of spiritual intelligence* (1st ed.). New York: SelectBooks.

Zohar, D., & Marshall, I. (2000). *SQ- Spiritual intelligence: The ultimate intelligence.* London: Bloomsbury.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]